

ایستاد هفت

سال سی و ششم، شماره دوم
خرداد و تیر ۱۴۰۴
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۲

چوب‌آهنگ‌نخس | امید طبیب‌زاده | مجید جلیسه | سیدعلی میرافضلی | فرهاد طاهری
راضیه آبادیان | بهزاد کریمی/روحیار کابل‌سوری | امید حسینی‌نژاد | عبدالجبار رفاعی/محمد سوری
رقیه فراهانی | میلاد بیگدلو | رسول جعفریان | سید احمد رضا قائم‌مقامی | علی رواقی
حیدر عبوضی | علی‌راد | سیدعلی موسوی | مریم حسینی | اصغر ارشاد سرابی | جواد آسه
سیدعلی کاشفی خوانساری | امید حسینی‌نژاد | علی لنگرودی | رحیم پاک‌نژاد | محمود رفاهی‌فرد | محمدرضا رهبریان

«... بار دیگر ننگد، گرتو به رفتار آبی»: (مُراسله‌ای در گمانه‌زنی حول تصحیح بی‌تی از ظیبات سعّدی)

| سلسله‌مباحث نظری در باب تاریخ ادبیات، براساس آرای رنه ولیک (۱): انواع تاریخ ادبیات

چاپ‌نوشت (۱۹): فهرست کتاب‌های چاپ ژلاتینی در کتابخانه‌های ایران | نزهة المجالس و

علاءالدین فریبرز شروانشاه | دیو صاحب‌نگین (جست‌وجوی خاتم سلیمان نبی در تاریخ و ادب)

به جنگ‌ها چقدر می‌توان اعتماد کرد؟ | میرزا حسن رشیدی و مصائب فروش کتاب در عهد قاجار

خراسانیات ۵ | از نگاه عربی: متفکران معاصر ایران و جهان عرب (۱): داریوش شایگان: از خاطره‌ا زلی

تا هویت چهل‌تکه | اشعار تازه‌یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر (۴)

نوشتگان ۱۳ | نسخه‌خوانی (۴۱) | یادداشت‌های شاهنامه (۷)

نگاهی به واژگان لغت فرس به تصحیح استادان دکتر فتح‌الله مجتبایی و دکتر علی اشرف صادقی

آینه‌های شکسته (۹) | طومار (۱۱): تحلیل انتقادی مصادر اسطوره حفظ کتاب شمائل البخاری

ابوجعفر و زّاق (۱) | قیروانی (م ۳۸۶) و روایت سیره نبوی براساس روایات مالک بن انس | مکتب

خدریه؛ مروری بر ابتدال کم‌سابقه در پژوهش | ابو حفص عمرو بن علی بن بحر سقاء بصری (م ۲۴۹)

و بزرگی از تاریخ‌نگاری اسلامی در نیمه نخست قرن سوم هجری | السلوه فی شرایط الخلوه موفق

بن مجد خاصی | نسخه‌های خطی نویافته در کتابخانه پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

گذری بر ترجمه قرآن دکتر حدّاد عادل | تحلیل نقادانه کتاب درسنامه مهارت‌های پژوهشی

تأملی در تاریخ کتب درسی و نگاهی به یک فهرست‌نگاری

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش: گشت‌وگذاری در کارنامه قم‌پژوهی دکتر مدرسی طباطبایی

منابع المبسوط فی فقه الإمامیه و رویکرد شیخ طوسی به آنها با تأکید بر کتاب الطهاره

چاپ‌نوشت (۱۹)

فهرست کتاب‌های چاپ ژلاتینی در کتابخانه‌های ایران

مجید جلیسه

| ۴۵ - ۷۰ |

۴۵

آینه پژوهش | ۲۱۲

سال ۳۶ | شماره ۲

خرداد و تیر ۱۴۰۴

چکیده: چاپ ژلاتینی یکی از تکنیک‌های کاربردی و مؤثر در فعالیت‌های سیاسی دوره قاجار در ایران است که عمدتاً برای چاپ شب‌نامه‌ها و اعلانات سیاسی استفاده می‌شده است. با این حال، از این تکنیک کم‌وبیش برای چاپ کتاب نیز بهره برده شده است. مؤلف در این مقاله، ضمن اشاره‌ای اجمالی به تاریخچه ورود این تکنیک به ایران و پراکندگی جغرافیایی استفاده از آن، به معرفی کتاب‌هایی می‌پردازد که با این تکنیک چاپ و در کتابخانه‌های ایران موجود است.

کلیدواژه‌ها: چاپ ژلاتین، تکنیک چاپ، مشروطیت، شب‌نامه، اعلان، سانسور، فهرست کتاب‌ها.

Notes on Publishing Books (19)

A Catalogue of Books Printed by Gelatin Process in Iranian Libraries

Majid Jaliseh

Abstract: The gelatin printing technique was one of the practical and influential methods employed in political activities during the Qajar period in Iran, primarily used for producing clandestine pamphlets (*shab-nāmi*) and political announcements (*i'lanāt*). Nonetheless, this technique was also employed, albeit to a lesser extent, for printing books. In this article, the author provides a brief overview of the history of this technique's introduction into Iran and its geographical spread, and then proceeds to introduce books printed by this method that are currently held in Iranian libraries.

Keywords: gelatin printing, printing technique, Constitutional Movement, *shab-nāmi*, announcement, censorship, book catalogues.

مقدمه

تکنیک‌های سنتی چاپ در ایران دوره قاجار را می‌توان به چاپ سربی (حروفی)^۱، چاپ سنگی^۲؛ چاپ ژلاتینی^۳؛ چاپ گراور^۴ و چاپ عکسی (فتولیتوگرافی)^۵ تقسیم نمود. هرچند در دوره قاجار بیشترین کتاب‌ها و آثار چاپی اعم از روزنامه، نقشه، إعلانات و دیگر مواد چاپی با استفاده از تکنیک چاپ سنگی و بعد از آن با تکنیک چاپ سربی منتشر شده‌اند. اما تکنیک‌های چاپ ژلاتینی، گراور و عکسی نیز کم و بیش مورد استفاده بوده و کاربرد و کارکرد خود را داشته‌اند. در این میان تکنیک چاپ ژلاتینی^۶ یکی از پرکاربردترین تکنیک‌های چاپ در روزگار دوره قاجار و بالخصوص دوره مشروطه و پس از آن است. این تکنیک توسط میخائیل ایوانوویچ آلیسوف (۱۸۳۰-۱۸۹۸م) به سال ۱۸۶۹م در روسیه اختراع می‌گردد.^۷

تابه امروز هیچ اطلاع دقیقی در خصوص چگونگی ورود این تکنیک چاپ به ایران نداریم، اما با توجه به همجواری امپراتوری روسیه در ایران و اینکه این شیوه از چاپ در دیگر کشورهای همجوار مرسوم و شایع بوده، پرواضح است که مردم ایران با این تکنیک از طریق کشورهای همسایه آشنا می‌گردند و از همین طریق وارد کشور شده است. پیوند میان این تکنیک چاپ با مردم ایران را می‌تواند در روزنامه شاهسون که در استانبول چاپ و انتشار پیدا می‌نمود جستجو کرد. تربیت در فهرستی که از جراید آذربایجان ارائه می‌دهد درخصوص این روزنامه اینچنین می‌نویسد:

1. Movable type.
2. Lithography.
3. jellygraphy.
4. Gravure.
5. Photolithography.

۶. جهت آشنایی با چگونگی این تکنیک رجوع کنید به:

«چاپ ژلاتینی و نقش آن در مبارزات سیاسی و مذهبی عصر قاجار»، مجید جلیسه، پیام بهارستان، دوره ۲، سال ۴، شماره ۱۳، پاییز ۱۳۹۰، صص ۵۸۷-۶۰۳.

7. «ТЕКТОГРАФИЧЕСКИЕ ИЗДАНИЯ В СОБРАНИИ РГБ, ПОСВЯЩЕННЫЕ ПОЛЕМИКЕ ВОКРУГ «ОКРУЖНОГО ПОСЛАНИЯ» «А. Б. ГРИГОРЬЕВ, Вестник Православного Свято-Тихоновского гуманитарного университета [Текст]. Серия I, Богословие. Философия. - Москва: ПСТГУ, 1997 -. - Выходит раз в два месяца 2014г. Вып. 3 (53) , 93.

«روزنامه بذله‌سرا منطبعة اسلامبول با ژلاتین در حدود سال ۱۳۰۶ قمری از طرف حاجی عبدالرحیم طالب‌اف و سید محمد شبستری فقط یک شماره منتشر شده است»^۱

میرزا عبدالرحیم بن ابوطالب بن علیمراد نجار تبریزی معروف به طالبوف (۱۲۷۲-۱۳۲۸ق) از معاریف و فضیلتی آذربایجان و نویسنده کتاب‌هایی چون کتاب احمد یا سفینه طالبی، مسالک المحسنین، نخبه سپهری و ... بود که نقش پررنگی در روشن‌گری اذهان مردم ایران ایفا نموده است.^۲ با فاصله کمی از انتشار همین روزنامه است که قدیمی‌ترین منبع چاپی که با استفاده از تکنیک چاپ ژلاتینی منتشر شده یعنی شب‌نامه را سراغ داریم. رابینو در کتاب خود از آن نام برده و در معرفی این اثر اینچنین می‌نویسد:

«شب‌نامه در ردیف نخستین مطبوعات است که با زبان شیرین طنز پیرامون حکومت شاه به روشن‌گری پرداخت. شب‌نامه که در سال ۱۸۹۲/۱۳۱۰م به مدیریت علی‌قلی‌خان آذربایجانی (صفراف) تأسیس گردید، پس از روزنامه شاهسون دومین نشریه‌ای است که به طور مخفی در ایران منتشر شد. مقالات شب‌نامه به قلم مدیر آن که به آقاعلی مشهور بود نوشته می‌شد و به صورت ژلاتینی به چاپ می‌رسید. نشر شیرین و طنزآلود شب‌نامه روش تازه‌ای بود که در مبارزه با استبداد و اختناق مورد استفاده قرار گرفت. چون مطالب شب‌نامه موجب برانگیختن بغض و کینه شدید سران حکومت گردید به طور مخفی به انتشار آن ادامه دادند».^۳

با این وصف می‌توان گفت که تبریز کماکان شهراولین‌هاست و همانند تکنیک‌های چاپ سربی و سنگی که برای اولین بار از طریق تبریز به ایران وارد شدند، تکنیک چاپ ژلاتینی نیز از طریق تبریز به ایران وارد و برای اولین بار مورد استفاده قرار گرفته است.

در میان منابع خطی و چاپی دوره قاجار اطلاعات اندکی از این نوع تکنیک و آثار چاپ شده به وسیله آن به ما رسیده است، که البته همین اطلاعات مغتنم و ارزشمند است. یاسنت لویی رابینو (۱۸۷۷-۱۹۵۰م)^۴ از اولین افرادی است که در کتاب خود با نام روزنامه‌های ایران از آغاز تا

۱. دانشمندان آذربایجان، ۴۱۰ همچنین نگاه کنید به: تاریخ جراید و مجلات ایران، ۵۶/۳؛ فرهنگ لغات عامیانه، ۴۳؛ تاریخ طنز در ادبیات فارسی، ۱۷۲.

۲. دانشمندان آذربایجان، ۲۵۴.

۳. روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ق، ۹۲.

4. Hyacinth Louis Rabino.

سال ۱۳۲۹ق که در رشت و توسط مطبعه عروة الوثقی به سال ۱۳۳۰ق چاپ و منتشر شده است، اطلاعاتی از این نوع چاپ و آثاری که با این تکنیک چاپ و منتشر شده ارائه می‌دهد:

«در اوایل دوره مشروطیت علاوه بر روزنامه تعداد زیادی شبنامه با ژلاتین به چاپ رسید که در خفا توزیع می‌گردید. چنانچه در رشت کرنا، نسیم شمال، بابا طاهری، نام ناره، بوق عزرائیل، پله غافلین و ... منتشر می‌شد. از آنها شماره‌هایی چاپ شد، اما چون به صورتی نبودند که به آنها عنوان نشریه‌ای که در دوره معینی توزیع می‌گردیده توجه شود در فهرستی که از نام روزنامه‌ها به نظر خواهد رسید ذکری از آنها به میان نیامد»^۱.

رایینو در فهرست خود به برخی روزنامه‌ها و شبنامه‌هایی که با استفاده از این تکنیک چاپ و منتشر گردیده اشاره می‌نماید. که از آنجمله می‌توان به روزنامه بیضاء^۲، سفینه نجات^۳، سلسبیل^۴، شاهسون^۵، شب‌نامه^۶، شفق^۷، صبح‌نامه^۸، غیرت^۹، لسان الغیب^{۱۰}، معرفت^{۱۱}، مؤید^{۱۲} هوی و هوس^{۱۳} اشاره نمود. ادوارد براون (۱۸۶۲-۱۹۲۶م)^{۱۴} تقریباً بر مبنای همین فهرست است که به این نام‌ها و تکنیک چاپ ژلاتینی آنها اشاره می‌کند. او نیز در آرشیو خود شماره‌هایی از این دست روزنامه‌ها و شب‌نامه‌ها را داشته و به برخی از شماره‌های آنها در آرشیو خود اشاره می‌کند.

محمد مهدی بن ملاجعفر شریف کاشانی (۱۲۳۹-۱۳۵۱) از اعضای انجمن معارف و از فعالان مشروطه به شمار می‌رفت. او پس از انقلاب مشروطه و در سال ۱۳۲۸ق و زمانی که ریاست اداره اوقاف به مصطفی قلی خان فرزند مخبرالدوله محول می‌گردد، به ریاست اداره تحقیق کل اوقاف

۱. همان، ۱۰.

۲. همان، ۹۲.

۳. همان، ۱۷۱.

۴. همان، ۱۷۲.

۵. همان، ۱۷۳.

۶. همان، ۱۷۴.

۷. همان، ۱۸۲.

۸. همان، ۱۸۷.

۹. همان، ۱۹۹.

۱۰. همان، ۲۲۲.

۱۱. همان، ۲۳۸.

۱۲. همان، ۲۴۲.

۱۳. همان، ۲۵۹.

14. Edward Granville Browne.

برگزیده می‌شود. او بعد از نگارش کتاب تاریخ شریف تصمیم به نگارش کتاب دیگری گرفته و بیان می‌دارد که:

«... در این ایام که بعضی وقایع ناگوار پیش آمده و علمای اعلام، بلکه خاص و عام در مقام جلوگیری از بعضی ظلمها و تعدیات دولت برآمده، نظر به اینکه خداوندان عقل و دانش نگارش واقعات اتفاقیه در روزگار را ممدوح شمرده‌اند که بی‌کم و بیش ثبت و ضبط شده تا در روزگار باقی بماند و خوانندگان از اعمال پسند و ناپسند و ممدوح و مذموم پند و عبرت گیرند، شایسته دید که مجملی از شرح حال اواخر سلطنت ناصرالدین شاه و اوایل مظفرالدین شاه را نگاشته و بعد داخل شرح این واقعات را در عنوان تاریخ بنگارد. و لذا خدا را شاهد گرفه که آنچه دیده و شنیده و نوشته‌اند، بدون کم و بیش نگاشته شود»

این کتاب که از آن با عنوان تاریخ مشروطیت ایران و یا واقعات اتفاقیه در روزگار یاد می‌شود به تاریخ ۱ ربیع‌الاول سال ۱۳۳۳ ق به نگارش درآمده است.^۱ شریف کاشانی در کتاب خود بسیاری از وقایع دوره مشروطه و پس از آن را شرح می‌دهد و در این میان اطلاعات ارزشمندی از شبنامه‌ها و کتب غیرمجازی که چاپ و منتشر می‌شود را بیان می‌کند و به عنوان یکی از منابع دست اول در معرفی این قبیل منابع به شمار می‌رود، که کمتر در منابع تاریخی آن دوران می‌توان بدان دست یافت. او در حین معرفی این منابع کم و بیش به تکنیک چاپ آنها هم اشاره می‌کند که این موضوع حکایت از ارزش‌گذاری او در خصوص این قبیل منابع دارد، یعنی وی با اشاره به چاپ ژلاتین بودن کتاب یا شبنامه و اعلان به راز آلود بودن، آزاد و بدون سانسور بودن این قبیل منابع اشعار دارد. شریف کاشانی به مواردی از کتاب‌ها و آثاری که با تکنیک چاپ ژلاتینی چاپ و منتشر می‌گردیده اینچنین اشاره می‌کند:

«چندی است که کتابچه‌ها و تاریخ‌های دوساله و بیست روزه و روابط حسنه و کتابچه مجمع انصاف با چاپ حروفی و ژلاتینی در مدح و ذم بعضی منتشر می‌دارند»^۲

کتابچه روابط حسنه از جمله آثاری است که در خصوص وثوق الدوله و ظن به همکاری او با روس‌ها با تکنیک چاپ ژلاتین چاپ و منتشر شده است و شریف کاشانی در کتاب خود این

۵۰

آینه پژوهش | ۲۱۲

سال ۳۶ | شماره ۲

خرداد و تیر ۱۴۰۴

۱. تنها نسخه خطی منحصر این کتاب در کتابخانه ملک به شماره ۶۰۶۸ موجود است. رک: فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی

ملک وابسته به آستان قدس رضوی، ۹۲/۲.

۲. واقعات اتفاقیه در روزگار، ۷۱۱.

موضوع را متذکر می‌گردد^۱ و متن کامل این کتابچه را نیز در کتاب خود درج می‌نماید^۲. کاشانی در جای جای کتاب خود و در بحبوه مشروطیت از اعلان‌ها و اوراق مخفی که با تکنیک چاپ ژلاتین چاپ و منتشر گردیده اشاره می‌کند^۳.

محمد صدرهاشمی (۱۳۴۴-۱۲۸۴) استفاده از چاپ ژلاتینی برای انتشار شبنامه را مربوط به دو سه سال آخر سلطنت مظفرالدین‌شاه و در آغاز مشروطیت می‌داند، درست زمانی که روزنامه آنچنان در ایران رواج پیدا نکرده بود و یکی از وسایل نشر افکار آزادیخواهان و مخالفت با حکومت استبدادی و رجال درباری نشر شبنامه‌های خطی و یا با چاپ‌های ژلاتینی بود. این عمل بخصوص در سال‌های ۱۳۲۳-۲۴ ق به اندازه‌ای در تهران شیوع پیدا می‌کند که دیگر هرکسی با کسی عداوت و خصومت شخصی می‌داشت بر علیه او شبنامه منتشر می‌نمود^۴. ازجمله نمونه‌های این قبیل منازعات در آن روزگار، واقعه‌ای است که حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی (۱۳۱۸-۱۲۴۱) در خاطرات خود نقل نموده است و به استفاده از این قبیل اعلان‌های چاپ ژلاتینی برای تخریب بهائیت اشاره می‌کند:

«در شب دوشنبه سیم ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ ق چهار ساعت از شب رفته، حاج ابوالحسن نام از اجزای انجمن ارومیه، در بازار تهران دکان خود را بسته به خانه می‌رود. در بازار دو نفر را می‌بیند ورقه اعلانی به دیوار چسبانیدند و گذشتند. حاج مزبور نگاه می‌کند، اعلام به چاپ ژلاتین است از طرف طایفه بهائی، یعنی به عنوان آن‌ها در قریب به این مضمون که ما طایفه بهائی واداشتیم میرزا رضا کرمانی ناصرالدین‌شاه را کشت. ما اوضاع مملکت را منقلب نمودیم. ما مجلس را تأسیس کردیم. اجزای

۱. همان، ۷۳۷.

۲. همان، ص ۷۱۱-۷۳۷. همچنین این رساله به کوشش علی میربهاء‌الدینی و حسن علی فریدونی در مجله پیام بهارستان، دوره دوم، سال ششم، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۹۲، صص ۱۷۷-۲۰۲ چاپ و انتشار یافته است.

۳. از جمله این موارد می‌توان به این موارد اشاره نمود:

صورت ورقه ژلاتین رک: واقعات اتفاقیه در روزگار، ۶۸۴.

صورت یک ورقه ژلاتین، رک: واقعات اتفاقیه در روزگار، ۷۰۲.

صورت اعلان ژلاتینی نمرة ۷، رک: واقعات اتفاقیه در روزگار، ص ۷۵۸.

صورت اعلان ژلاتینی نمرة ۸، رک: واقعات اتفاقیه در روزگار، ۷۶۱.

آخرین امید وطن‌پرستان، رک: واقعات اتفاقیه در روزگار، ۷۶۸.

انتظار انقلاب، رک: واقعات اتفاقیه در روزگار، ۷۶۴.

۴. تاریخ جراید و مجلات ایران، ۱۷/۱.

مجلس اغلب از ما هستند. همه این کارها را ما کردیم که آزادی پیدا کنیم و از پرده خفا درآییم. حالا اگر شاه به ما آزادی داده ما خود مجلس را برهم خواهیم زد و خاطر شاه را از این جهت آسوده خواهیم کرد و اگر نکرد، ماهم چنین و چنان خواهیم کرد. حاج ابوالحسن مشغول خواندن اعلان است که پیش روی او پلیس های بازار بعضی از این اعلان ها را کنده در دست دارند و می آیند. حاج ابوالحسن به آنها می گوید پیر مردی با سید جوانی را دیدم این اعلانات را می چسبانند و از این طرف رفتند. پلیس ها آنها را تعاقب می نمایند و پیرمرد گرفتار می شود. او را با بسته اعلان و ظرف سریش که در دست داشته به نظمی برده، در استنطاق می گوید من نوکر سیدعلی یزدی هستم. سیدعلی آقا یزدی یکی از ملاهاست، در زمان مظفرالدین شاه طرف توجه شاه و اندرون بوده، برای شاه و حرم سرا استخاره می کرده، دعا می نوشته و در قضیه میدان توپخانه با شیخ فضل الله نوری همدست بوده و اکنون در خانه نشسته با کسی آمد و شد ندارد. پیرمرد را می برند به عدلیه، آنجا استنطاق می شود و سیدعلی آقا یزدی به عدلیه جلب می گردد. این اولین دفعه است که یکی از ملاها به عدلیه جلب می شود. سیدعلی آقا یزدی در عدلیه اظهار می کند که این پیرمرد نوکر من نیست، بلکه نوکر سیدمحمد یزدی برادرزاده من است و سیدمحمد مرد شروری است و با من بد است، به نوکرش سپرده که اگر گرفتار شدی بگو نوکر سیدعلی آقا هستم. عدلیه درصدد تحقیق برمی آید و معلوم می شود که سیدعلی آقا بی تقصیر است. او را راه می کنند. سیدعلی آقا می گوید من می خواستم از خیالات فاسد برادرزاده ام شما را مسبوق نمایم و هم کاغذی از سیدمحمد یزدی به خط خودش به دست می آید که به مصطفی خان حاکم تهران نوشته، به او خبر می دهند که اعلاناتی به این مضمون منتشر خواهیم کرد و نیز چند ماه پیش کاغذی در یکی از کتابخانه های تهران به دست می آید که از بغل فرستاده سیدمحمد یزدی افتاده و به یکی از مخدرات حرم شاهی تقریباً به این مضمون نوشته: عرض کنید چنین و چنان کردم و از اقدامات خود بر ضد مجلس و مشروطه نتیجه گرفته. از این کاغذ معلوم می شود که سیدمحمد به انجام این گونه اقدامات مأموریت دارد. کاغذ مزبور نزد احتشام السلطنه که رئیس مجلس بود فرستاد شد ... به هر حال در عدلیه ثابت می شود که این خیانت مستند به سیدمحمد یزدی است و این یکی از نقشه های حوزه استبدادی است که چون این اعلانات نشر شد مجلسیان و مجلس متهم

به بهائئگری شوند و یک دسته از اشرار را اسلحه داده بودند بعد از انتشار اعلانات مزبور بریزند با مشروطه خواهان زد و خورد کنند به عنوان حمایت دین و مذهب و چند نفر را که علمدار مشروطه و طرف توجه ملتند کشته آن وقت دولت برای دفع مفسده دخالت کرده و مجلس را تعطیل نماید...^۱

کمیته مجازات از جمله گروه‌هایی بود که در توجیه مرام و اهداف خود، شب‌نامه‌ها و اعلامیه‌های ژلاتینی هم منتشر می‌کرد. این کمیته که با پدید آمدن دوباره شرایط نسبتاً مناسب برای فعالیت‌های سیاسی در پایتخت در ذی‌عده ۱۳۳۴ ق تشکیل شده بود، به صورت مخفی و به‌انکای قضاوت شخصی، یا به‌زعم خود، میهن‌دوستی و مبارزه با بیگانه‌پرستان، به‌کشتن افرادی که متهم به خیانت بودند دست می‌زد.^۲ استفاده از چاپ ژلاتین و مسئولیت اینکار بر عهده میرزا علی‌اکبر ادرافی و کتابت اعلامیه‌ها به خط عمادالکتاب بود.^۳

در اواخر دوره قاجار استفاده از تکنیک چاپ ژلاتین همچنان به عنوان یکی از روش‌های مرسوم و پرکاربرد غیررسمی و غیرمجاز برای چاپ اعلان‌ها، شب‌نامه‌ها و... است. اما محدودیت‌هایی همچون فروش مواد اولیه و مورد نیاز برای این تکنیک چاپ وجود دارد. در آخرین کابینه وثوق‌الدوله بین پرسی کاکس (۱۸۶۴-۱۹۳۷ م)^۴ وزیر مختار انگلیس و وثوق‌الدوله در نهم اوت ۱۹۱۹ م قراردادی منعقد می‌گردد. پس از انتشار قرارداد و اعلامیه‌ای که کابینه وثوق‌الدوله منتشر کرده میلیون به مخالفت برخاستند. ولی وجود حکومت نظامی مانع از هرگونه اجتماع و نشر مطالب مخالفت‌آمیز نسبت به قرارداد مزبور بود. به‌طوری که از چاپخانه‌ها التزام گرفته شده بود که علیه قرارداد مطلبی منتشر نشود، حتی از دواخانه‌ها التزام گرفته بودند که به‌احدی گلیسیرین فروخته نشود، تا مبادا از آن صفحه چاپ ژلاتین ترتیب بدهند و به‌نشر شب‌نامه مبادرت نمایند.^۵ عبدالله مستوفی (۱۳۲۹-۱۲۵۵) در ضمن اطلاع از انتشار قرارداد ۱۲۹۸ به نقل خاطره‌ای پرداخته و ضمن آن به محدودیت‌های ایجاد شده برای چاپ ژلاتین اشاره می‌کند:

«... سید مدرس بدیدن ما آمده در ضمن صحبت گفت: چرا شما برضد این اوضاع چیزی نمی‌نویسید؟ گفتم: گیرم نوشتم، کجا طبع کنم و به‌چه وسیله به‌انتشار آن

۱. دو قرن فراز و نشیب مطبوعات و سیاست در ایران، ۴۹.

۲. تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، ۶۸۳/۲.

۳. اسرار تاریخی کمیته مجازات، ۲۹ و ۳۷ و ۸۰.

4. Percy Cox.

۵. مدرس قهرمان آزادی، ۱۵۳/۱.

بپردازم؟ نظیمه شهر حتی از فروش گلیسیرین برای اینکه مبادا از آن صفحه چاپ ژلاتین ترتیب داده و وسیله انتشارات جزئی شود جلوگیری می کند. گفت: شما بنویسید، برای انتشارش فکری می شود کرد...^۱»

در پایان دوره قاجار و بعد از کودتای ۱۲۹۹ وقتی حسین علاء (۱۳۴۳-۱۲۶۰) وزیر مختار ایران در آمریکا دکتر آرتور چستر میلسپو (۱۹۵۵-۱۸۸۳م)^۲ را به عنوان مستشار استخدام می کند، جو متشنج و نارضایتی فراوانی بر جامعه حاکم است و میلسپو از مردم و نمایندگان مجلس طعن و لعن بسیاری می شنود تا جایی که تصمیم به استعفا می گیرد. به طور مثال در روزنامه ایران در شماره ۳۰ اسد [امرداد] ۱۳۰۳ درباره میلسپو چنین نوشته است:

«... اینکه گمان می کردیم دکتر میلسپو می تواند به وضع آشفته اقتصادی ما سر و صورتی بدهد دچار اشتباه بزرگی بودیم چون با تمام اختیاراتی که به او داده شده و کمک هایی که به عمل آمده مجبوریم اعتراف کنیم که نتیجه کار او فقط یک صفر درشت می باشد... ما چهل هزار سرنیزه برای وصول مالیاتها در اختیار وی می گذاردیم ولی تنها نتیجه این عمل آن بود که میان او و مؤدیان اختلافاتی به وجود آمد و بالاخره دکتر سیاستی در پیش گرفت که هزینه های دولت افزایش یافت...»

در همین روزگار ایرج میرزا نیز در مذمت بی نتیجه بودن استخدام این مستشار توسط میرزا حسین خان علاء قطعه شعری نگاشته و با استفاده از چاپ ژلاتین در بین مردم پخش می کند:^۳

نبینی خیر از دنیا علانی	بیاید زآسمان بر تو بلانی
تو آخر آنقدر احمق نبودی	حقیقت، خویش را خوش وانمودی
از اینجا تا به آمریکا، آن ره دور	تو را کردیم ای گوساله، مأمور
که بنمایی در آمریکا، تجسس	بیابی مستشاری با تخصص
در آمریکا به خرها دادی اعلان	که باشد مرتع سبزی در ایران
در آن مرتع چریدن کیف دارد	خران لاغرو را حال آرد
ببستی با خران یک کنتراتی	گواراتر زهر نقل و نباتی
فرستادی زنوع خود کمندی	خصوصا یک خر بالا بلندی

۱. شرح زندگانی من، ۱۰/۳.

2. Arthur Millsbaugh.

۳. مأموریت آمریکائیان در ایران، ۱۳.

چموش و بد لگام و خام و گه‌گیر	نه از افسار می‌ترسد، نه زنجیر
درست است اینکه آمریکا سراسر	نموده خویش را مستغنی از خر
که راه آهن بسیار دارد	زحمل و نقل با خر، عار دارد
ولی در ملک ما هم خر زیاد است	به حدی که بر سرماهم گشاد
خران داخلی معقول بودند	وجیه المله و مقبول بودند
بباشد این مثل مشهور هر کس	زبان خر، خلج می‌داند و بس
چه شد پس آن خلج‌های فراوان	یهود و ارمنی، گبر و مسلمان
نه تنها مرتع ما را چریدند	پدر سگ صاحبان بر سبزه ریدند

این شعر در چاپ‌های اولیه دیوان ایرج میرزا در زمان حیات او نیست و بعدها در دیوان او که به کوشش دکتر محمدجعفر محجوب هم که درج می‌گردد به صورتی ناقص آمده است.^۱ چاپ شعرهای اعتراضی آنهم بدون سانسور از کاربردهای اساسی این تکنیک چاپ در آن روزگار بوده است. از جمله مجموعه شبنامه‌های چاپی ژلاتینی که متعلق به مرحوم سید حسن تقی‌زاده بوده و به کتابخانه مجلس شورای اسلامی سپرده شده است. یک ورقه‌ای است حاوی قطعه‌ای از مرحوم ملک‌الشعرای بهار با امضای (م. بهار) که ایشان این قطعه را در جریان ورود روس‌های تزاری به گیلان و به منظور تهییج افکار عمومی سروده است.^۲

ایران مال ایران است

هان ای ایرانیان! ایران اندر بلا است مملکت داریوش دستخوش نیکلا است
مرکز ملک کیان در دهن اژها است غیر اسلام کو جنبش ملی کجا است
برادران رشید اینهمه سستی چرا است؟

ایران مال شما است ایران مال شما است

به کین اسلام باز خاسته برپا صلیب خصم شمال و جنوب داده ندای مهیب
روح تمدن بلب آیت امن یجیب دین محمد یتیم! کشور ایران غریب
بر این یتیم و غریب نیکی آئین ما است
ایران مال شماست ایران مال شما است

۱. تحقیق در احوال و آثار و افکار و اشعار ایرج میرزا و خاندان و نیاکان او، ۱۵۵.

۲. راهنمای کتاب، فروردین، سال ۱۷، ش ۱ و ۲ و ۳، اردیبهشت، خرداد، ۱۳۵۳، ص ۱۴۹.

سکندر کینه جوی رفت زایرانتان هرقل رومی نژاد نکرد ویرانتان
زگیر و دار عرب تهی شد اوطانتان خزان چنگیزیان شد زگلستانانتان
بهار ایرانیان بازخوش و با صفا است
ایران مال شما است ایران مال شما است
گهی که شد اصفهان به چنگ افغان دچار لشکر پتر کبیر یافت بگیلان قرار
عراق و تبریز شد زجیش بیگانه خوار جنبش ملی کشید یکسره زیشان دمار
ماند به ایرانیان ایران بی‌بازخواست
ایران مال شما است ایران مال شما است
هان ایرانیان بینم محبوسستان به پنجه انگلیس، به چنگ روستان
گویی در این میان گرفته ناموسستان کز دو طرف می‌برند ثروت ستان
در ره ناموس و نام کوشش کردن رواست
ایران مال شما است ایران مال شماست!
بیهده تا کی زنید به یکدیگر طعن و دق عصای اسلام را چند نمائید شق
نیک شناسید باز جانب باطل زحق وز سر بیرون کنید کینه بین‌الفرق
به مملکت بنگرید که با چه غم مبتلاست
ایران مال شماست ایران مال شماست!
هان ای ایرانیان ترک حمیت چرا؟ سستی عنصر زچیست؛ کژی نیت چرا؟
جهل و نفاق از چه روی، بغض و دوئیت چرا؟ مأیوسیت چرا؟ مرعوبیت چرا
مایوسیت گناه، مرعوبیت خطا است
ایران مال شما است، ایران مال شماست!
چند بما دشمنان حيله طرازی کنند چند به اغفال ما دسیسه سازی کنند
تا کی چون کودکان با ما بازی کنند چند بناموس ما دست‌درازی کنند
دست ببریدشان گرتان غیرت بجاست
ایران مال شما است، ایران مال شماست!
برادران رشید! برادریتان چه شد؟ به عرصه رزمگاه دلاوریتان چه شد
خصم بما خیره گشت خیره سريتان چه شد؟ به دشمن کینه‌جوی کینه‌گريتان چه شد؟
به کینه حاضر شوید کایتان آخر دواست
ایران مال شما است، ایران مال شماست!

گسترده‌ی تکنیک چاپ ژلاتین در ایران

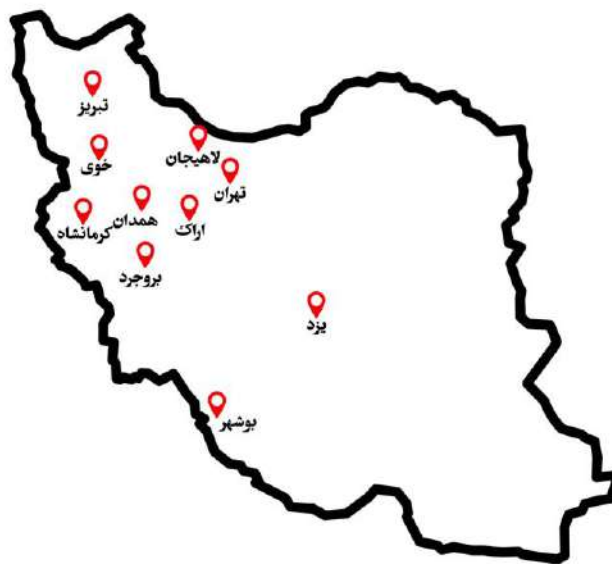
تکنیک چاپ ژلاتین نتیجه‌ی دو محرومیت آزادی بیان و امکانات در دوره‌ی قاجار و اوایل دوره‌ی پهلوی است. محدودیت‌های سیاسی و نظارت حکومت‌ها بر چاپخانه‌ها و سانسور شدید از جمله عواملی بودند که مردم را به استفاده از این تکنیک ساده و دم‌دستی هدایت می‌کرد. اما از طرف دیگر کمبود امکانات چاپ و یا گرانی این قبیل امکانات نیز از دیگر عواملی بود که کاربرد چنین تکنیک ساده و ارزانی را توجیه‌پذیر می‌نمود.

همین موضوع موجب می‌گردد که استفاده از تکنیک چاپ ژلاتینی تنها به تهران محدود نگردد. چرا که در آن روزگار شهرهای کوچک و شهرستان‌ها فاقد امکانات لازم برای چاپ بودند و از طرفی بودجه لازم و کافی برای خریداری دستگاه‌های چاپ سنگی و سربی نیز در اختیار نداشتند. ازین‌رو استفاده از این تکنیک خیلی زود از مراکز اصلی چاپ مانند تبریز و تهران به دیگر شهرهای ایران منتقل می‌گردد. انتقال این تکنیک به شهرهای کوچک در برخی موارد با هدف استفاده‌های روتین چاپ روزنامه و اعلان و در برخی موارد برای جلوگیری از سانسور و

انتشار روزنامه‌ها، شب‌نامه‌ها و اعلان‌های مخفی به کار برده می‌شود. در همدان روزنامه نوپای عدل مظفر به سال ۱۳۲۴ ق با استفاده از تکنیک چاپ ژلاتین منتشر می‌گردد^۱. در کرمانشاه نیز شیخ احمد جواهری که از طلاب روشن‌فکر این دیار به‌شمار میرفت نشریه‌ای را به‌وسیله

۵۷

آینه پژوهش | ۲۱۲
سال ۳۶ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۴



تصویر ۱. نقشه پراکندگی استفاده از چاپ ژلاتین در ایران دوره قاجار

۱. تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، ۳۱۳/۲.

چاپ ژلاتین انتشار می‌دهد.^۱ در بندر بوشهر هم ازین تکنیک استفاده می‌شود.^۲ در مجموع در دوره‌ای استفاده از این تکنیک در شهرستان‌ها بیش از دیگر تکنیک‌های چاپ مرسوم در آن روزگار مانند تکنیک چاپ سنگی و سربی شایع می‌گردد.

فهرستی کتاب‌های چاپ ژلاتین در کتابخانه‌های ایران

اشاره نمودیم که تکنیک چاپ ژلاتین عمدتاً برای چاپ اعلان و بعد از آن شب‌نامه‌ها و یا روزنامه‌های کم‌ورق به کار می‌رفت و اساساً تکنیک مقرون به صرفه و خوبی برای چاپ و انتشار کتاب نبود. ازین رو تعداد کمی کتاب آنهم عموماً کتاب‌هایی کم‌ورق و در قطعی کوچک با این تکنیک چاپ و انتشار یافته است. همچنین به دلیل عدم آشنایی بسیاری از فهرست‌نگاران با تکنیک چاپ ژلاتینی و ویژگی‌های آن هیچ بعید نیست که معدود کتاب‌هایی که با استفاده از این تکنیک چاپ و منتشر شده است، به عنوان نسخه خطی فهرست نویسی شده باشد.

به جهت تیراژ پائین این شیوه از چاپ، این آثار در زمره نادرترین نمونه‌های چاپی در دوره قاجار قرار می‌گیرد. از باب نمونه چنانکه پیش از این اشاره گردید، شریف کاشانی از برخی کتاب‌های منتشره با تکنیک چاپ ژلاتین همچون کتابچه روابط حسنه یاد می‌نماید که متأسفانه امروزه هیچ نسخه‌ای از آن در کتابخانه‌های ایران دردسترس نیست و البته جای خوشوقتی است که او متن کامل این کتاب را در کتاب خود درج نموده است.^۳

از معدود فهرست‌نگاران نسخه‌های خطی که به آثار منتشره با این تکنیک توجه و آنها را مشخص نموده است می‌توان از استاد محمد روشن نام برد که در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه رشت به نسخه‌ای با استفاده از تکنیک چاپ ژلاتینی اشاره می‌نماید. جالب توجه آنکه ایشان در چاپ اولیه فهرست، این کتاب را به عنوان نسخه خطی ثبت نموده است^۴، اما در چاپ بعدی و ویرایش جدید آن وی تصریح می‌کند که «این نسخه خطی نیست و چاپ ژلاتین است»^۵.

۵۸

آینه پژوهش | ۲۱۲
سال ۳۶ | شماره ۲
خرداد و تیر ۱۴۰۴

۱. تذکره مختصر شعرای کرمانشاه و انجمن‌های ادبی - مطبوعات، ۱۶۷.

۲. گزیده اسناد روابط ایران و آلمان، ۲۱۵/۱.

۳. واقعات اتفاقیه در روزگار، ص ۷۱۱-۷۳۷. همچنین این رساله به کوشش علی میربهاءالدینی و حسن علی فریدونی در مجله پیام بهارستان، دوره دوم، سال ششم، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۹۲، صص ۱۷۷-۲۰۲ چاپ و انتشار یافته است.

۴. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی جمعیت نشر فرهنگ رشت (چاپ اول)، ص ۲۲.

۵. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی جمعیت نشر فرهنگ رشت (چاپ دوم)، ص ۲۱.

دوست عزیز و دقیق‌النظر جناب آقای محمدحسین حکیم دیگر فهرست‌نگاری است که در فهرست کتابخانه ملک به نسخه‌ای با استفاده از تکنیک چاپ ژلاتین اشاره و البته نسخه دیگری از همان کتاب را در کتابخانه دانشگاه تهران معرفی می‌نماید.^۱

به این تفصیل در فهرس نسخه‌های خطی تا به امروز دو عنوان کتاب و البته سه نسخه چاپ ژلاتین توسط فهرست‌نگاران نسخ خطی معرفی شده است. بنده نیز این بخت و اقبال را داشته‌ام که یک نسخه چاپ ژلاتین با عنوان توپ ماکریم را سال‌ها قبل در کتابخانه آیت‌الله بروجردی (مسجد اعظم) شناسایی نمایم و اخیراً نیز با معرفی بنده کتاب لغات الجفنگ که با همین تکنیک چاپ و منتشر شده است توسط کتابخانه حضرت آیت‌الله بروجردی خریداری و به گنجینه ارزشمند این کتابخانه اضافه گردید. به این ترتیب تا به امروز می‌توانیم از چهار عنوان کتاب چاپ ژلاتین در ۵ نسخه در کتابخانه‌های ایران نام ببریم.

هرچند این عدد آنقدر قابل توجه نیست، اما صورت‌برداری و معرفی مستقل آنها می‌تواند توجه بیشتر فهرست‌نگاران را به این تکنیک چاپ جلب نموده و امیدی برای شناسایی تعداد بیشتری از این قبیل آثار باشد، که در گوشه‌های تاریک کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مجموعه‌های شخصی پنهان مانده‌اند.

(۱)

ترجمه مقاله شخصی از اهالی مصر (فارسی)

عنوان دیگر: ترجمه مقاله یک نفر مصری

نویسنده: مجتهد زنجانی، ابوطالب بن ابوالقاسم (؟-۱۳۲۹ق)

کاتب: توپچی آجودانباشی توپخانه، ابراهیم بن علی اکبر

[تهران]، بی‌چا، ۱۲/۹ در ۲۱/۴ سم، ۱۰ س، نسخ، ۱۳۱۰ ق.

کتابشناسی: تاریخ اجمالی نوع بشر است «برای فهماندن به وجه کامل، ما تاریخ اجمالی این نوع بشر را از ابتداء خلقت تا روز انقراض آن از کتاب پلامیون فلکی معروف مشهور که در مجمع علمی جینوه در سویس قرائت شده و جمعی تصدیق کرده‌اند می‌نگاریم. این فلکی معروف آینده را مانند گذشته در قالب روایت ریخته است» (ص ۱۲) تنظیم شده در چهار فصل به این قرار: فصل اول: از زمان وجود کائنات حیه تا انقراض آن بالکلیه بیست و دو میلیون سال طول کشید. این بیست و دو میلیون سال به شش مدت تقسیم شد. فصل دوم: راوی گوید در سال دویست و بیست هزار از میلاد مسیح تمدن چادرهای خود را در قلب افریق در شهر آفتاب که بهترین و

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه و موزه ملی ملک، ۵۲/۱۴.

بزرگترین شهرهای دنیا بود ...؛ فصل سویم: کشتی که به اوج آسمان (هوا) بلند شد و چندین صد فرسخ شهر آتاب را وداع کرد ...؛ فصل چهارم: راوی می‌گوید آسیا هم به همین درد افریق و امریک مبتلا بود تراکم و ریزش برفها تمامی آسیا را ویران و مستور کرده مانند پنبه دانه ...

آغاز کتاب: هو الله. بسمله. ترجمه مقاله شخصی است از اهالی مصر. مقدمه. ماها در ساحل دریای سفید تماشا کرده می‌بینیم موجها بلند می‌شود و می‌خواهد به آسمان برسد و روی به خشکی هم می‌آورد و از شدت غرور مانند شترهای مست کف بر دهان آورده ...

انجام کتاب: ... و کواکب در متن آسمان به خود نمائی دائمی می‌پرداختند تا آفتاب دیگر کی آید و زمین دیگر کی آباد شود و خواست آفریدگار چه باشد. تمت الحکایة انجامه: این مرحوم مغفور میرزا علی اکبر خان آجودانباشی توپخانه طاب ثراه و جعل الجنة مثواه ابراهیم توپچی است. در شب جمعه بیست و چهارم شهر جمادی الاخری لوی نیل یکهزار و سیصد و ده، در کمال اوقات تلخی بجهت اشتغال خاطر در صورتی که هیچ وقت مشق قلم نسخ نکرده بود برای یادگار تحریر نمود

بماند سالها این نظم و ترتیب ز ما هر ذره خاك افتاده جانی

[فهرست کتاب‌های چاپی فارسی، ۱۳۱۱/۱؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز

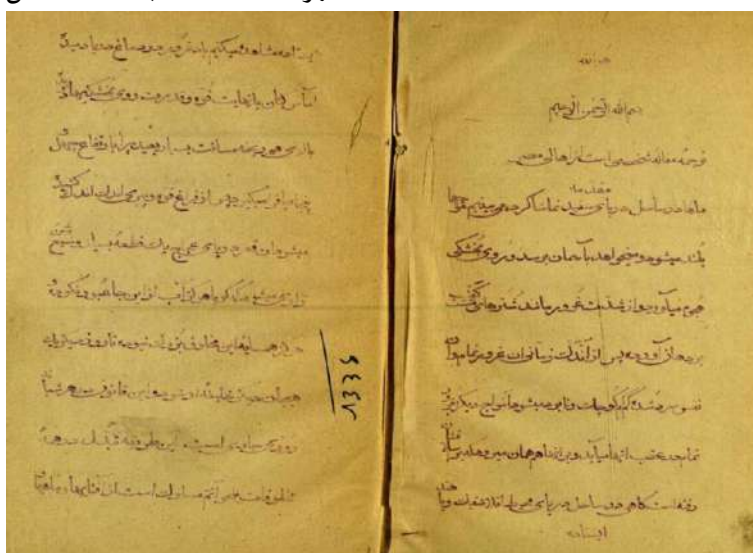
اسناد دانشگاه تهران، ۲۶۸/۱۶؛ کتابخانه ملک، ش ۶۷۱۳]^۱

۶۰

آینه پژوهش | ۲۱۲

سال ۳۶ | شماره ۲

خرداد و تیر ۱۴۰۴



تصویر ۲. ترجمه مقاله شخصی از اهالی مصر (کتابخانه دانشگاه تهران، ش ۶۶۴۷)

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملک تهران، ۵۲/۱۴.

(۲)

لغات الجفنگ (فارسی)

عناوین دیگر: مرآت البلها؛ معرفه الناس

نویسنده: لشکرنویس، حبیب‌الله

کاتب: علی نقی

[تهران]: بی‌چا، نستعلیق تحریری، جیبی، ۴۵ ص، ربیع‌الثانی ۱۳۱۹ ق.

ویژگی‌های هنری: صفحات مجدول؛ رکابه، عناوین به‌قلم.

برافزوده‌های خطی: مهر دستی به زبان انگلیسی با عبارت « S.K.Alinaghi khan- Crf. De »

(Hassan-Abad- TEHERAN (Perse)) در صفحه پیش از آغاز کتاب و همچنین به‌صورت

ناقص در صفحه پایان کتاب دیده می‌شود.

کتابشناسی: واژه‌نامه الفبایی مختصری از برخی لغات و اصطلاحات عامیانه رایج ایران در زمان قاجار است. نویسنده، اخلاق مردم زمان خود را با تعریف لقب‌هایی همچون: شناسیکن، الدنگ، آب زیرکاه، اپاردی بنپوه، بدلعاب، بچه‌ننه، بنکی، بغرنج، بیعار، بامبولی، بدپيله، پفیوز، پیزی شل، پخمه، پنتی، پیزوری، چرتقوزی، چمپو، جعلقی، چاچول، چس نفس، چس خور، چکنته، چکه، چاخان، چسنة، چاشته‌خور، جمبل جنمبو، خاشار پاشار، خاله زنک، خرچمال، سبزی پاک‌کن، خنک، خرمگس، معرکه، خل، دلخور، دبنگوز، دبه‌دار، دبنگ، دیوٹ، روده‌دراز، زرم‌دی، سمس‌کار، سمج، سندلا، سرخر، سنگ روی یخ، سگ، حسن دله، سبک، سگ‌پا، سلندر، شیطان خیال، شکم برآب‌زن، شیرمال، شلخته، شیم شق، شاه طهماسبی، شترته، فکسنی، فیسو، فضول، قرمپف، قرطی، قرمساق، قلچماق، قرم‌تیز، کله‌شق، کوزال، گوساله مادر حسن، گل مولا، گوشت تلخ، کوزدسته، کوزناعاقل، لنتی، لله‌بین، لکنه، لوبس، لندهور، لوطی اجلاف، قش‌شم، نازک‌نارنجی، هرزه‌چانه، یاخی در، یاردانقلی و ... برشمرده است. این فرهنگ به‌چند نام شهرت یافته که مشهورتر از همه مرآت البلهاست. نام مؤلف دقیقاً معلوم نیست. کسانی، از جمله روان‌شاد استاد مجتبی‌مینوی، آن را از شریعت‌مدار تبریزی و کسانی دیگر از میرزا حبیب‌الله لشکرنویس دانسته‌اند. عده‌ای نیز این کتاب مشهور را باعناوین گوناگون به‌نام خود چاپ کرده‌اند. مرآت‌البله‌اء که در مفصل‌ترین چاپ آن حاوی ۱۲۴ واژه و اصطلاح است، بی‌شباهت به برخی آثار عبیدزاکانی نیست. این واژه‌نامه نخست در سال ۱۳۰۸ ق و سپس در ۱۳۲۱ ق به چاپ سنگی رسیده است. در میان ادبا و محققان معاصر شناخته شده نبود تا آنکه بخش‌هایی از آن به تفاریق در ستون «از هر

خرمنی خوشه‌ای» در مجله یغما به چاپ رسید و توجه محمد علی جمال زاده نویسنده مشهور به آن جلب شد. جمال زاده در این زمان خود به گردآوری لغات و مصطلحات عامه اشتغال داشت و در مقدمه کتاب خود از مرآت البلهء و اهمیت آن یاد کرد. پس از آن استاد ایرج افشار سراسر این کتاب را در دو شماره پی در پی در سال پنجم مجله راهنمای کتاب به چاپ رساند و بر شهرت آن افزود. چند سال بعد محمود کتیرایی پژوهشگر فرهنگ عامه متن منقح و پیراسته آن را بر اساس نسخ خطی نویافته و چاپ‌های سنگی تدوین و همراه کثوم ننه آقا جمال خوانساری منتشر کرد. در سال‌های اخیر آخرین چاپ این کتاب با نام لغات مصطلحه عوام با افزودن چند واژه جدید به اهتمام احمد مجاهد انتشار یافته است.

مطابق ترقیمه این چاپ از کتاب این اثر در چهارم ذی الحجه سال ۱۲۹۴ ق حسب فرموده میرزا علی اصغر فرزند محمد حسین وزیر خزانه عامه نگاشته شده است.

[فرهنگ واژه‌های عامیانه در دوره قاجار، ۸]

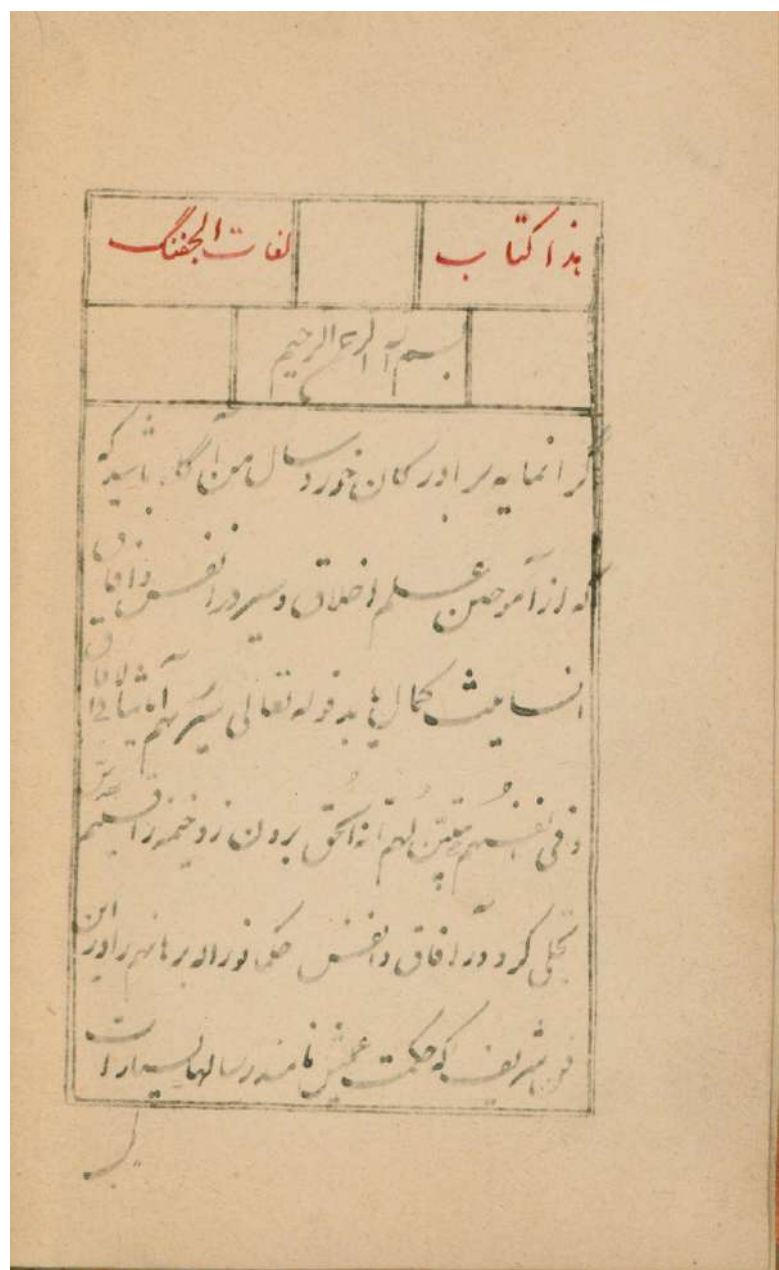
آغاز کتاب: بسم الله الرحمن الرحيم. گرانمایه برادرکان خورد سال من آگاه باشید که از آموختن علم اخلاق و سیر در انفس و آفاق انسانیت کمال یابد قوله تعالی سنرهم آیاتنا فی الآفاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم الحق [،] برون زدر خیمه زاقلم تقدس [،] تجلی کرد در آفاق و انفس [،] حکما نوراله برهانهم را در این فن شریف که حکمت ...

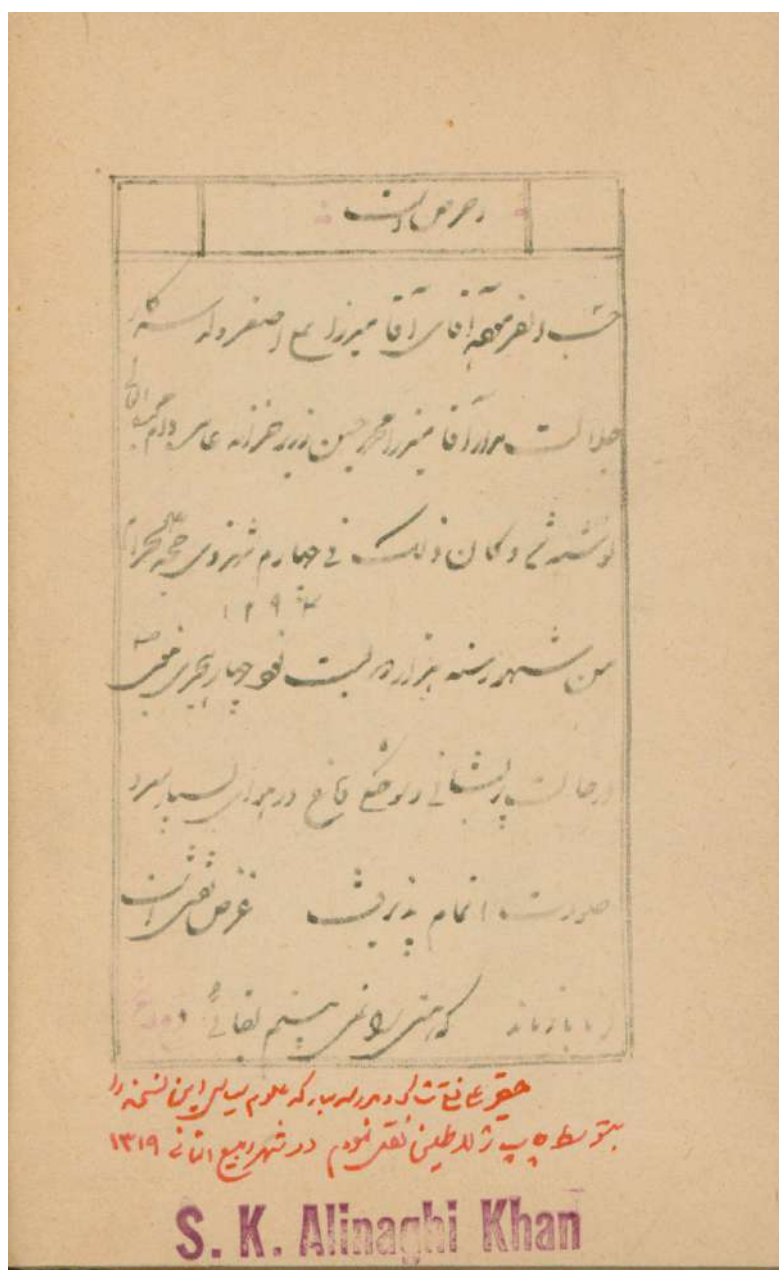
انجام کتاب: ... یاردان قلی کسی را گویند [که] در مجلس شراب بنشسته و شراب ننوشد ولیکن مزه باده خوران را از رطب و یابسش هرچه در بساط باشد باشتهای تمام بخورد [،] این خلق از طمع و حرص است.

ترقیمه کتاب: حسب الفرموده آقای آقامیرزا علی اصغر ولد سرکار جلالت مدار آقامیرزا محمد حسین وزیر خزانه عامره دام مجده العالی نوشته شد و کان ذلک فی چهارم شهر ذی حجه الحرام ۱۲۹۴ من شهر سنه هزار دویست نود چهار هجری نبوی ص در حالت پریشانی و سوختگی دماغ در هوای بسیار سرد صورت اتمام پذیرفت غرض نقشی است کزما باز ماند که هستی را نمی بینم بقائی

ترقیمه چاپچی: حقیر علی نقی شاگرد مدرسه مبارکه علوم سیاسی این نسخه را بتوسط چاپ ژلاطین نقل نمودم در شهر ربیع الثانی ۱۳۱۹.

[کتابخانه آیت الله بروجردی (مسجد اعظم)، ش ۴۷۲۰۸۷۱]





۶۴

آینه پژوهش | ۲۱۲

سال ۳۶ | شماره ۲

خرداد و تیر ۱۴۰۴

(۳)

توپ ماکزیم (فارسی)

عنوان دیگر: دستورالعمل توپ میترايوزماکزیم

نویسنده: ناشناخته

مترجم: میرپنج، حاجی میرزا محمدخان

کاتب: بصیرنظام، فتح‌الله

[تهران]: بی‌چا، جیبی، نستعلیق، ۱۸ محرم الحرام سنه ۱۳۲۲ق.

ویژگی‌های هنری: صفحه‌عنوان دارای جدول نشان شیر و خورشید در میانه صفحه و کلمه محمد دوبار به صورت ضربدر در ذیل آن قرار گرفته است. دارای هفت شماره تصویر در ۴ صفحه است.

کتابشناسی: ترجمه متنی در معرفی توپ ماکزیم که نوعی تیربار یا مسلسل سنگین معروف به شصت تیر است. کتاب شامل اجزائی چون شرح کلیه (ص ۱)؛ جزء متحرک (ص ۱)؛ جزء ثابت (ص ۴)؛ در تدارک دادن به میترايوز (ص ۶)؛ در عمل دستگاه (ص ۷)؛ در آتش تیر به تیر و آتش متصل (ص ۱۲)؛ در حاضر نمودن میترايوز از برای آتش (ص ۱۶)؛ در آتش تیر به تیر (ص ۱۹)؛ در قطع آتش و خالی‌کردن میترايوز (ص ۲۲)؛ در پیاده کردن و سوار نمودن چخماق (ص ۲۴)؛ در بازدید لوله و عوض نمودن اجزاء چخماق (ص ۲۴)؛ دستورالعمل حفظ میترايوز (ص ۲۶)؛ ملاحظات لازمه در استعمال میترايوز (ص ۲۶)؛ در استعمال میترايوز ماکزیم با قنداقهای مختلفه (ص ۲۸)؛ قنداقهای مختلفه توپ ماکزیم و اوزان آنها (ص ۳۱). عنوان این توپ با عباراتی چون ماکزین، ماکسیم و مکسیم نیز شناخته می‌شود. نویسنده اثر مشخص نیست اما کاتب که در ترقیمه کتاب از خود به عنوان خادم توپخانه مبارکه نام می‌برد در سال ۱۳۳۲ق به عنوان فرمانده نیروی پیاده نظام قاینات مشغول به فعالیت بوده است.

[فرهنگ اصطلاحات دوره قاجار قشون و نظمیه، ۱۶۰]

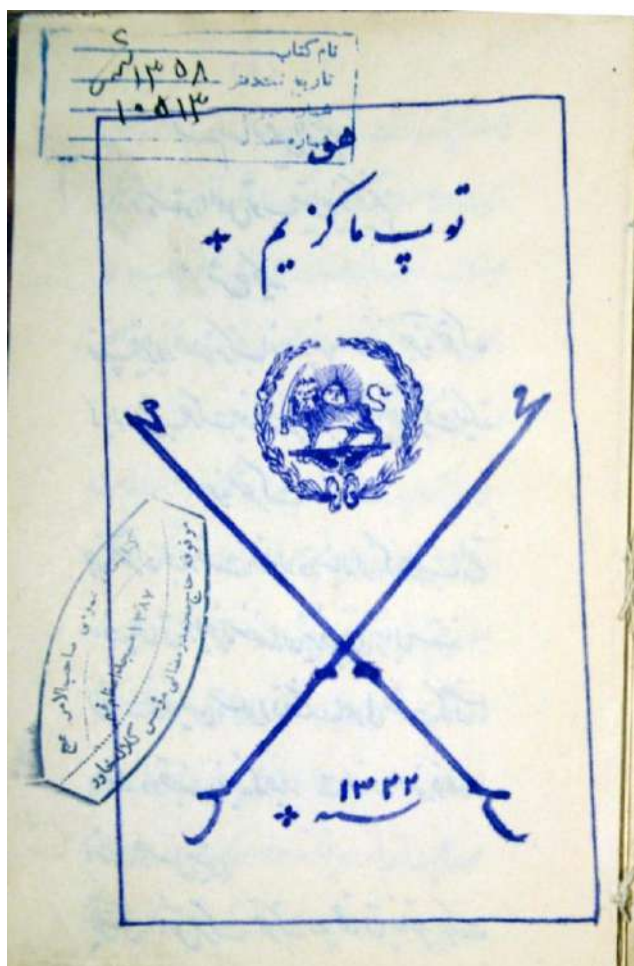
آغاز کتاب: بسم الله الرحمن الرحیم- دستورالعمل توپ میترايوزماکزیم- شرح کلیه- توپ میترايوز اصلا مرکب از دو جزء است، جزء متحرک که هبا لوله عقب حرکت مینماید و جزء ثابت که هیچ حرکت نمیکند. جزء متحرک- جزء متحرک عبارتست از لوله و دنباله آن که در عقب واقع است...

انجام کتاب: ... نوار تدارک دارای ۳۰۰ الی ۴۰۰ فشنگ است (در نوار تدارک توپ المانی ۲۵۰ فشنگ است) و رسماً در جعبه‌های قورخانه نیستند و اندازه هر جعبه ۳۳۴۸ فشنگ هانری مارتین می‌گیرد ازینقرار است.

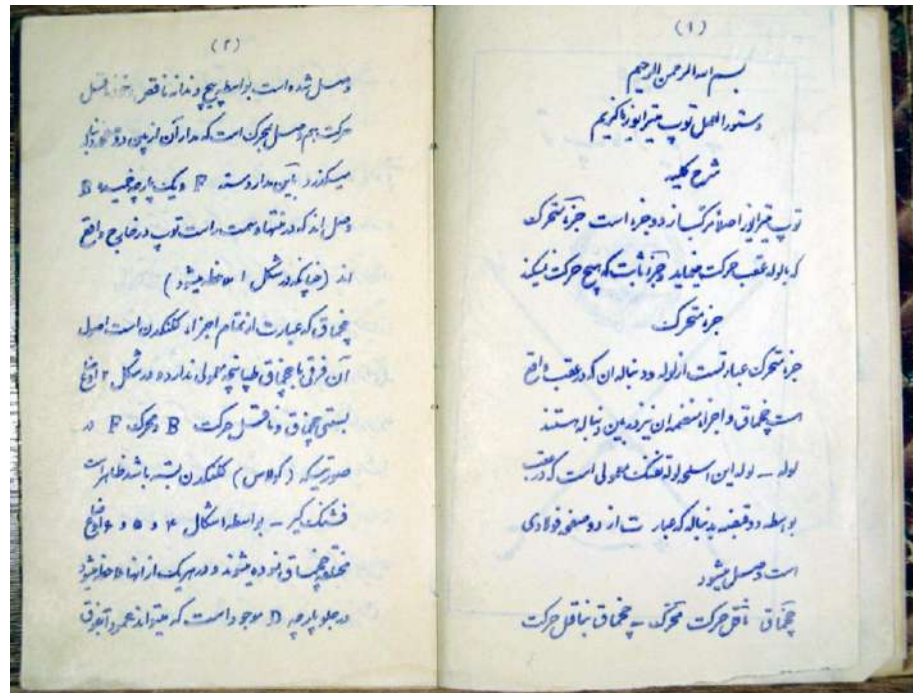
عمق	عرض	طول
X°/۱۲۰	X°/۱۹۷	۰/۰۶۰۳ متر

ترقیمه کتاب: تمه الكتاب بعون الملك الوهاب، ترجمه جناب عمده الامراء العظام حاجی میرزا محمدخان میرپنج توپخانه مبارکه. تحریر خانه زاد دولت ابد مدت اقل خلق الله فتح الله بصیرنظام خادم توپخانه مبارکه

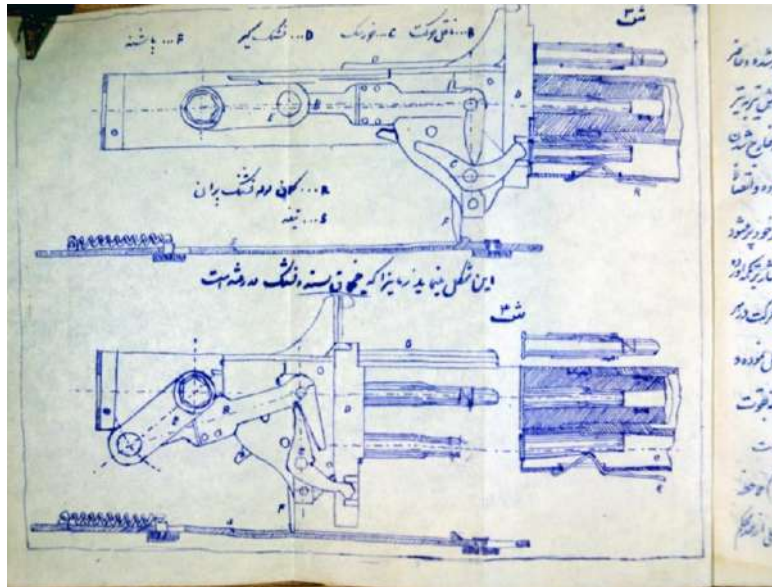
[منابع: کتابخانه مسجد اعظم، ش ۱۰۵۱۳]



تصویر ۵. توپ ماگزیم - صفحه عنوان (کتابخانه آیت الله بروجردی، ش ۱۰۵۱۳)



تصویر ۶. توپ ماکزیم - صفحه آغاز (کتابخانه آیت الله بروجردی، ش ۱۰۵۱۳)



تصویر ۷. توپ ماکزیم - صفحه‌ای از تصاویر کتاب (کتابخانه آیت الله بروجردی، ش ۱۰۵۱۳)

(۴)

ترکیب بند (فارسی)

شاعر: سدهی، محمدنعیم (۱۲۷۲-۱۳۳۴ق)

نسخ، میرزا آقای نیریزی مهاجر ارض، ۱۱در ۱۷/۵سم، بغلی، ۱۵۱ص، ۱۳۲۵ق. [ش، ۶۸]

آغاز:

بحمدلله قائما بالذات	مالک الملک محیی الأموات
مثبت الحق ماحی الباطل	مهبط الوحی جامع الاشتات
منزل الانبیاء والسفراء	منزل البینات والآیات

انجام:

گنه جمله را به لطف بیوش	حاجت جمله را به فضل برآر
انک انت ربنا الوهاب	العزیز المهیمن التواب

[فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه رشت، ۲۱]

فهرست منابع

- اسرار تاریخی کمیته مجازات، جواد تبریزی، تهران، ایران و اسلام، ۱۳۶۲.
- «کتابخانه دکتر حسین مفتاح»، محمدتقی دانش‌پژوه، نشریه نسخه‌های خطی، تهران، دفتر هفتم، صص ۹۵-۵۱۱، ۱۳۵۳.
- تاریخ جراید و مجلات ایران، محمدصدر هاشمی، اصفهان، انتشارات کمال، چاپ دوم، ۴ جلد، ۱۳۶۳.
- تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، گوئل کهن، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه، جلد دوم، ۱۳۶۲.
- تاریخ طنز در ادبیات فارسی، حسن جوادی، تهران، کاروان، ۳۸۴ ص، ۱۳۸۲.
- تذکره مختصر شعرای کرمانشاه و انجمن‌های ادبی-مطبوعات، باقر شاکری، کرمانشاه، چاپخانه سعادت، ۱۳۳۷.
- تحقیق در احوال و آثار و افکار و اشعار ایرج میرزا و خاندان و نیاکان او، محمدجعفر محبوب، تهران، افست گلشن، چاپ چهارم، ۲۵۳۶.
- تذکره مختصر شعرای کرمانشاه و انجمن‌های ادبی-مطبوعات، باقر شاکری، کرمانشاه، چاپ سعادت، نو+۱۸۶ ص، ۱۳۳۷.
- دانشمندان آذربایجان، محمدعلی تربیت، تبریز، انتشارات فخرآذر، ۱۳۷۳.
- دو قرن فراز و نشیب مطبوعات و سیاست در ایران، احمد احرار، لوس‌آنجلس، شرکت کتاب، ۱۳۸۸.
- روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ق، ه. ل. رابینو، ترجمه و تدوین جعفر خمami‌زاده، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۰.
- شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، عبدالله مستوفی، تهران، زوار، جلد ۳، چاپ پنجم، ۱۳۸۴.
- فرهنگ اصطلاحات دوره قاجار، قشون و نظیمه، یحیی مدرسی، حسین سامعی، زهرا صفوی مبرهن. تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، وزیری، ۱۳۸۰.
- فرهنگ لغات عامیانه، محمدعلی جمال‌زاده، تهران، سخن، ۵۹۲ ص، رقعی، ۱۳۸۲.
- فرهنگ واژه‌های عامیانه در دوره قاجار، رضا حکیم خراسانی، به تصحیح سیدعلی آل داود، ضمیمه شماره ۱۹ نامه فرهنگستان، تهران، خرداد ۱۳۸۴.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه و موزه ملی ملک (موقوفه آستان قدس رضوی)، سیدمحمد حسین حکیم، قم، کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران (مورخ)، ۵۶۲+۹۹ ص، وزیری، ۱۳۹۳.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی جمعیت نشر فرهنگ رشت، محمد روشن، انتشارات فرهنگ ایران زمین، ۱۳۵۲ ش.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی جمعیت نشر فرهنگ رشت، محمد روشن، تهران، میراث مکتوب، چهل و هشت+۱۹۸ ص، وزیری، ۱۳۸۷.

گزیده اسناد روابط ایران و آلمان، مینا ظهیر نژاد ارشادی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، جلد اول، ۱۳۷۶.

مأموریت آمریکائیه‌ها در ایران، میل‌سپو، ترجمه حسین ابوترابی‌ان، تهران، پیام، ۲۵۳۶.

مدرس قهرمان آزادی، حسین مکی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۸.

واقعات اتفاقیه در روزگار، محمد مهدی شریف کاشانی، به کوشش منصوره اتحادیه، سیروس سعدوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲.